



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سالنامه علوم انسانی

نفس زکیه

محمدعلی قاسمی*



چکیده

کشته شدن نفس زکیه از نشانه‌های ظهور امام مهدی عج به شمار می‌رود که در روایات متعددی بدان اشاره شده و در زمره علایم حتمی ظهور قرار گرفته است. روایات، این شخصیت را با عنوان‌هایی چون «النفس الزکیه»، «نفس حرام»، «الدم الحرام» و... می‌خوانند. در مورد نام وی قاطعانه نمی‌توان قضاوت کرد، اما به یقین وی از خاندان قریش است. مجموعه‌ای از احادیث، محل شهادت او را شهر مکه و میان رکن و مقام و زمان شهادت او را نزدیک به ظهور امام مهدی عج و بلکه پانزده شب پیش از ظهور بیان کرده‌اند. درباره نسبت میان نفس زکیه یاد شده و محمد بن عبدالله بن حسن بن علی بن ابی‌طالب که در زمان امام صادق ع به دست منصور عباسی کشته شد و به نفس زکیه مشهور بود، اختلاف نظر است؛ مرحوم سیدمحمد صدر این دو شخصیت را یک نفر می‌داند، اما به نظر می‌رسد که طبق روایات، این دو نفر متفاوت هستند. بر این اساس، باید منتظر کشته شدن نفس زکیه باشیم.

واژگان کلیدی

نفس زکیه، نشانه‌های ظهور، علایم حتمی، محمد بن عبدالله.

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

موضوع نشانه‌های ظهور در احادیث پیشوایان دینی جایگاه ویژه‌ای دارد و شایسته است در مسیر تبیین و تشریح این موضوع و پالایش و تنقیح آن تلاش بیشتری صورت بگیرد.

کشته شدن نفس زکیه، از نشانه‌هایی است که در احادیث متعدد به آن اشاره گردیده و از نشانه‌های حتمی ظهور شمرده می‌شود. این نوشتار می‌کوشد ابعاد مختلف این موضوع را تبیین نماید و با استناد به سخنان پیشوایان دینی از ابهامات این مسئله بکاهد.

قتل نفس زکیه از نشانه‌های پنج‌گانه

از مجموع علایم ظهور در روایات، در پنج نشانه به صورت ویژه و مستقل سخن به میان آمده است. اهمیت این نشانه‌ها را هم از تعدد این روایات^۱ و هم از جداسازی و بیان این نشانه‌ها به شکل مستقل می‌توان دریافت. کشته شدن نفس زکیه از نشانه‌های پنج‌گانه‌ای به شمار می‌رود که در تعدادی از روایات به آن تصریح شده است. امام صادق علیه السلام در حدیث معتبری می‌فرماید:

خمس علامات قبل قیام القائم: الصیحة و السفیانی و الخسف و قتل النفس الزکیة و البیانی...^۲

پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام پنج نشانه تحقق پیدا می‌کند: صیحه آسمانی، خروج سفیانی، فرورفتگی در بیداء (مکانی نزدیک مکه)، کشته شدن نفس زکیه و خروج یمانی.

سپس امام در پاسخ به عمر بن حنظله درباره همراهی با فردی از اهل بیت که پیش از تحقق این نشانه‌ها خروج کرده، فرمودند: خیر! امام صادق علیه السلام در روایت دیگری به ابوبصیر فرمودند:

... یا بأحمد إن قدام هذا الأمر خمس علامات أولاهن النداء في شهر رمضان و خروج السفیانی و خروج الخراسانی و قتل النفس الزکیة و خسف بالبیداء^۳؛ ای ابومحمد، پیش از این امر، پنج علامت روی خواهد داد که اولین آنها نداء در ماه رمضان و سپس قیام سفیانی و خراسانی و کشته شدن نفس زکیه و خسف بیداء است.

حتمی بودن نشانه نفس زکیه

از دیگر ویژگی‌هایی که در روایات برای کشته شدن نفس زکیه بیان شده و اهمیت این رخ داد را می‌نماید، حتمی بودن این واقعه است. روایات متعددی با تعابیر مختلفی چون «محتوم»، «لابد أن یكون»، «لا یخرج حتی» و... این مطلب را بیان می‌کنند.^۴ پرسش

کشته شدن نفس زکیه، از نشانه‌هایی است که در احادیث متعدد به آن اشاره گردیده و از نشانه‌های حتمی ظهور شمرده می‌شود.

ابوحزمه ثمالی از امام صادق علیه السلام چنین سوال می کند:

إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام كَانَ يَقُولُ: إِنَّ خُرُوجَ السَّفِيَانِيِّ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ؟ قَالَ [لِي]: نَعَمْ وَ اخْتِلَافَ وَلَدِ الْعَبَّاسِ مِنَ الْمَحْتُومِ وَقَتْلَ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ مِنَ الْمَحْتُومِ وَ...^۹ امام باقر علیه السلام پیوسته می فرمودند خروج سفیانی از علایم حتمی است. امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمودند: بله و اختلاف فرزندان عباس و کشته شدن نفس زکیه از محتومات است و...

مطلب یاد شده، در حدیث حمزان بن اعین از امام صادق علیه السلام با تأکید بیشتری تبیین شده است. آن حضرت در حدیث یاد شده می فرماید:

مِنَ الْمَحْتُومِ الَّذِي لَا بَدَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ قَبْلِ قِيَامِ الْقَائِمِ، خُرُوجَ السَّفِيَانِيِّ، وَخَسْفَ بِالْبَيْدَاءِ وَ قَتْلَ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَ الْمُنَادِيَّ مِنَ السَّاءِ؛^{۱۰} از نشانه های حتمی که چاره ای از تحقق آنها پیش از قیام امام مهدی علیه السلام نیست، قیام سفیانی، فرو رفتن در سرزمین بیداء، کشته شدن نفس زکیه و منادی آسمانی است.

واژه «لابد» در این حدیث، بیشتر از احادیث پیشین، بر حتمی و یقینی بودن این نشانه ها تأکید می کند. بنابراین، با توجه به روایت های پیش گفته، کشته شدن نفس زکیه از نشانه های حتمی ظهور است.

معنای نفس زکیه

زکات در لغت عرب به معنای طهارت و رشد و نمو آمده است.^۶ بر این اساس، در معنای نفس زکیه دو احتمال وجود دارد:

۱. به معنای نفس طاهر، یعنی شخصی که گناهی مرتکب نشده است؛
 ۲. به معنای شخصیت متکامل و رشد یافته است.

قرآینی برای تأیید معنای اول وجود دارد:

۱. در برخی از روایات درباره این موضوع به جای استعمال

واژه نفس زکیه، واژه «الدم الحرام» و یا «نفس حرام» به کار رفته است. امام علی علیه السلام در حدیثی فرموده اند:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَخْرَجِ مَلِكِ بَنِي فُلَانٍ، ... قَتْلَ نَفْسٍ حَرَامٍ فِي يَوْمٍ حَرَامٍ...^۸ آیا شما را از زمان به پایان رسیدن سلطنت خاندان فلان خبر ندهم؟ ... هنگام کشته شدن نفسی حرام در روزی حرام...

واژه حرام، در این روایت به معنای ممنوع است، یعنی آن که او را به دلیل پاکی و بی گناهی اش نباید کشت. بنابراین، واژه نفس زکیه که در دیگر روایات به کار رفته نیز به معنای شخصیت پاک و بی گناه خواهد بود.

۲. در روایت سلمان در توصیف نفس زکیه، چنین آمده است:

أَمَا إِنِّي سَأُحَدِّثُكُمْ بِالنَّفْسِ الطَّيِّبَةِ الزَّكِيَّةِ وَ تَضْرِيحِ دَمِهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ...^{۱۱} من شما را از نفس پاک و بی گناه و کشته شدن او میان رکن و مقام خبر می دهم.

در این روایت نیز نفس زکیه به طیبه توصیف شده و به معنای شخصیت پاک و بی گناه است.

علاوه بر این، از واژه نفس زکیه در قرآن کریم نیز استفاده شده و به معنای شخصیت پاک و بی گناه آمده است:

﴿أَقْتَلْتُ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ﴾^{۱۲}

آیا شخص بی گناهی را بدون این که کسی را به قتل رسانده باشد کشتی؟

به نظر می رسد این واژه در روایات به همان معنای قرآنی اش به کار رفته است.

قراین زیر معنای دوم را تأیید می کنند:

۱. بی تردید ظهور امام عصر علیه السلام مهم ترین رخداد عالم وجود خواهد بود و کشته شدن نفس زکیه از نشانه های چنین حادثه بزرگی است. ایفای نقش علامت برای این واقعه بی بدیل، زمانی امکان می پذیرد که این علامت، اهمیت ویژه و در نتیجه انعکاس وسیعی داشته باشد. چنین چیزی جز با برجسته بودن شخصیت

نفس زکیه میسور نیست.

۲. تعدد روایاتی که به این حادثه اشاره دارند و تأکید پیشوایان دینی بر حتمیت این روی داد، اهمیت فوق العاده آن و مهم بودن شخصیت نفس زکیه را می نمایاند.

۳. انتخاب مسجدالحرام برای کشتن نفس زکیه، نشان می دهد که قاتلان نمی توانند او را دست گیر نمایند و یا زمان ندارند که او را از مسجدالحرام بیرون ببرند و مصلحت آنها در هتک حرمت مسجدالحرام و کشتن او در این مکان مقدس است.^{۱۱} وجود ویژگی های یاد شده برجسته بودن این شخصیت را می نماید.

اگر از قرائینی که در تأیید معنای دوم گذشت، نتوان اثبات کرد که نفس زکیه معنای شخصیت برجسته و ممتاز دارد، به یقین می توان گفت که مصداق نفس زکیه، شخصیتی برجسته و ویژه است.

در صورتی که نفس زکیه به معنای پاکی و برائت باشد، در مصداق آن دو احتمال وجود دارد:

۱. او شخص بی گناه معینی است که در زمان و مکان خاص و با کیفیتی خاص کشته می شود؛

۲. یکی از آثار دوران فتنه و انحراف در آخرالزمان کشته شدن تعدادی از انسان های بی گناه است. بنابراین، نفس زکیه معنای کلی و فراگیر دارد و به شخص معینی اشاره نمی کند.^{۱۲}

به نظر می رسد، بنابر ظاهر واژه نفس زکیه، او یک نفر بیشتر نیست و از سوی دیگر، سایر خصوصیتی که در روایات برای وی بیان شده، مانند روایاتی که نام او را ذکر یا فاصله میان کشته شدن او و ظهور را بیان نموده اند و... به وحدت مصداق این واژه و نه عام و کلی بودن آن دلالت دارند. از این رو، حمل نفس زکیه بر معنای عام آن، بدون دلیل و بلکه مخالف با ظاهر روایات است.

ویژگی های نفس زکیه

الف) نام نفس زکیه

پاره ای از احادیث نام نفس زکیه را «محمد» معرفی کرده اند، امام باقر علیه السلام در این باره فرموده است:

اسمه محمد بن الحسن؟^{۱۳}

اسم نفس زکیه محمد فرزند حسن است.

از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است:

... و قتل غلام من آل محمد صلی الله علیه و آله بین الرکن و المقام اسمه محمد بن الحسن و لقبه

النفس الزکیة...^{۱۴}

بی تردید ظهور امام عصر علیه السلام مهجرتین رخ داد عالم وجود خواهد بود و کشته شدن نفس زکیه از نشانه های چنین حادثه بزرگی است. ایقای نقش علامت برای این واقعه بی بدیل، زمانی امکان می پذیرد که این علامت، اهمیت ویژه و در نتیجه انعکاس وسیعی داشته باشد.

[قائم رضی الله عنه هنگامی قیام می کند که] ... نوجوانی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله که لقبش نفس زکیه است، میان رکن و مقام کشته شود...

(ب) لقب نفس زکیه

اکثر روایاتی که ابعاد مختلف کشته شدن نفس زکیه را شرح داده اند، برای اشاره به این شخصیت از لقب او (نفس زکیه) بهره گرفته اند، نه نام واقعی وی.

امام صادق علیه السلام درباره سخن امام باقر علیه السلام که پیوسته خروج سفیانی را از نشانه های حتمی می شمرد، فرمود:

نعم، و اختلاف ولد العباس من المحتوم و قتل النفس الزکیة من المحتوم و خروج القائم علیه السلام من المحتوم؛^{۱۵}

بلی، اختلاف فرزندان عباس و کشته شدن نفس زکیه حتمی است و خروج قائم صلی الله علیه و آله نیز حتمی به شمار می آید.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسشی درباره هنگام قیام قائم، فرمود:

و خروج السفیانی من الشام و الیانی من الیمن و خسف البیداء و قتل غلام من آل محمد صلی الله علیه و آله بین الرکن و المقام اسمہ محمد بن الحسن و لقبه النفس الزکیة؛^{۱۶}

هنگام قیام سفیانی از شام و قیام یمانی از یمن و فرو رفتن در بیداء و کشته شدن نوجوانی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله در میان رکن و مقام بوده که نامش محمد بن الحسن و لقبش نفس زکیه است.

پیشوایان دینی برای اشاره به نفس زکیه، از واژه های دیگری نیز استفاده کرده اند، گرچه ممکن است در اصطلاح به آنها لقب گفته نشود. واژه های یاد شده، بدین قرارند:

۱. النفس

امام صادق علیه السلام در حدیث معتبری فرمودند:

أمسك بيدك هلاك الفلانی و خروج السفیانی و قتل

النفس و جيش الخسف و الصوت...^{۱۷} هلاکت فلانی و خروج سفیانی و کشته شدن نفس و سپاهی که در زمین فرو می رود و ندا را را با دستت بشمار...

به نظر می رسد، به قرینه دیگر روایاتی که کشته شدن نفس زکیه را در کنار خروج سفیانی، ندای آسمانی و خسف بیداء آورده اند، «نفس» در این روایت نیز همان نفس زکیه است.

۲. نفس حرام

امام علی علیه السلام در روایت معتبری فرموده اند:

ألا أخبرکم بأخر ملک بنی فلان؟... قتل نفس حرام فی یوم حرام فی بلد حرام عن قوم من قریش...^{۱۸} آیا شما را از زمان به پایان رسیدن حکومت خاندان فلان خبر ندهم؟... هنگام کشته شدن نفسی حرام در روزی حرام در سرزمینی حرام از تیره قریش...

۳. النفس الطیبة الزکیة

امام صادق علیه السلام از سلمان چنین روایت می کند:

أما إنی سأحدثکم بالنفس الطیبة الزکیة و تضریح دمه بین الرکن و المقام؛^{۱۹} آگاه باشید! من شما را از نفس پاک و بی گناه و کشته شدن او میان رکن و مقام خبر می دهم.

۴. غلام من آل محمد صلی الله علیه و آله

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

... و قتل غلام من آل محمد صلی الله علیه و آله بین الرکن و المقام اسمہ محمد بن الحسن النفس الزکیة؛^{۲۰} [از علایم ظهور] کشته شدن نوجوانی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله در میان رکن و مقام است که محمد بن حسن، نفس زکیه نام دارد.

۵. الدم الحرام

امام علی علیه السلام در این باره فرمودند:

لا یظهر الله الأرض من الظالمین حتی یسفک الدم الحرام؛^{۲۱}

خداوند زمین را از ظالمان پاک نمی گرداند، مگر این که خون حرام ریخته شود.

در این روایت به نفس زکیه تصریح نشده، اما با توجه به دیگر روایاتی که در مقام شمارش علایم پیش از ظهور از کشته شدن تنها یک شخصیت مهم گزارش داده اند، می توان مطمئن شد که خون حرام در این روایت، همان نفس زکیه است.

ج) نسب نفس زکیه

روایات به چند صورت از نسب نفس زکیه سخن گفته اند:

۱. از خاندان قریش

امام علی علیه السلام در روایت معتبری فرموده اند:

ألا أخبركم بأخبر ملك بني فلان؟ قلنا بلي يا أمير المؤمنين. قال: قتل نفس حرام في يوم حرام في بلد حرام عن قوم من قریش؛^{۲۲}
آیا شما را از زمان به پایان رسیدن حکومت فلان خبر ندهم؟ گفتیم آری یا امیرالمؤمنین. حضرت فرمود هنگام کشته شدن نفسی حرام در روزی حرام در شهری حرام از تیره قریش.

۲. از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزند حسن

امام باقر علیه السلام فرمودند:

... و قتل غلام من آل محمد صلی الله علیه و آله بین الرکن و المقام اسمه محمد بن الحسن النفس الزکیة.^{۲۳}

این روایت از امام صادق علیه السلام و سفیان بن ابراهیم الجریبری^{۲۴} از اصحاب امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است.

بنابر این سه روایت، نفس زکیه از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می رود، اما درباره محمد بن حسن دو احتمال وجود دارد:

الف) منظور از حسن، امام حسن مجتبی علیه السلام است؛

ب) منظور از حسن، پدر حقیقی و بدون واسطه اوست.

بر این اساس، از این روایات نمی توان حسنی بودن (انتساب نفس زکیه به خاندان امام حسن مجتبی علیه السلام) را استفاده کرد. البته احتمال این که نام پدر حقیقی نفس زکیه حسن باشد، بسیار بعید می نماید؛ چرا که در روایات برای پدر نفس زکیه موقعیت مهم یا فعالیت خاصی بیان نشده است. وی شخصیتی عادی و معمولی خواهد داشت. از این رو، ذکر نام وی در روایات و تأکید بر این که نفس زکیه فرزند چنین پدری است، توجیه معقول و منطقی ندارد.

۳. از خاندان امام حسین علیه السلام
 امام باقر علیه السلام فرمودند:

... و النفس الزكية من ولد الحسين...^{۲۶}
 و نفس زکيه از فرزندان حسين علیه السلام است...

عیاشی در تفسیر خود از امام باقر علیه السلام روایت یاد شده را نقل مرسل کرده است. این روایت، با الفاظی مشابه به سند معتبر در کتاب غیبة نعمانی^{۲۷} نیز وجود دارد. مقایسه فقرات این دو روایت و نقل شدن آن دو از جابر جعفی، از امام باقر علیه السلام نشان می‌دهد که این دو حدیث جز یک حدیث نیستند. اما از آن‌جا که جمله «و النفس الزکية من ولد الحسين» در کتاب غیبة نعمانی که سند معتبری دارد، نیامده است، به روایتی که نفس زکيه را از فرزندان امام حسين علیه السلام می‌داند نیز به دلیل ضعف سند و هم به دلیل فقدان این فقره در نقل دیگر همان روایت، نمی‌توان اعتماد کرد.

بنابراین، به دلیل روایت معتبر به قریشی بودن نفس زکيه می‌توان رأی داد، اما در مورد دیگر جزئیات نسب نفس زکيه به جهت فقدان دلیل متقن نمی‌توان قاطعانه اظهار نظر کرد. البته کتاب شریف کافی در روایتی صحیح، کشته شدن شخصی حسنی را اندکی پیش از ظهور گزارش کرده، اما از آن‌جا که دلیل قاطعانه‌ای بر یکی بودن حسنی یاد شده با نفس زکيه وجود ندارد، نمی‌توان آن را بر انتساب نفس زکيه به خاندان امام حسن مجتبی علیه السلام دلیل دانست، گرچه احتمال آن وجود دارد.

... و يستأذن الله في ظهوره فيطلع علي ذلك بعض موالیه، فيأتي الحسنی فيخبره الخبر فيبتدر الحسنی إلي الخروج فيثب عليه أهل مكة فيقتلونه و يبعثون برأسه إلي الشامي فيظهر عند ذلك صاحب هذا الأمر؛^{۲۸}
 ... و مهدی علیه السلام از خداوند درباره ظهورش اجازه می‌خواهد. پس یکی از موالیان آن حضرت از این موضوع آگاه می‌شود و نزد حسنی می‌آید و او را از این خبر آگاه می‌کند و حسنی در قیام بر آن حضرت پیش‌دستی می‌کند، پس مردم مکه بر او می‌شورند و او را به قتل می‌رسانند و سرش را نزد شامی می‌فرستند. در این هنگام صاحب این امر ظهور می‌کند.

این احتمال را روایتی تأیید می‌کند که کشته شدن نفس زکيه را به فرمان سفیانی می‌داند،^{۲۹} هم‌چنان که طبق روایات بالا، فرستاده شدن سر نفس زکيه برای شامی کشته شدن وی را به دستور سفیانی نشان می‌دهد.

هدف نفس زکيه

روایت صحیح و اسناد تاریخی کاملی در زمینه هدف نفس زکيه و اقدامات او که سبب شهادت وی می‌گردد، به دست ما نرسیده است. اما بر اساس حدیثی از امام باقر علیه السلام، امام عصر علیه السلام نفس زکيه را به نمایندگی خویش به سوی مردم مکه می‌فرستد تا حجت و برهان بر آنها تمام گردد. ابوبصیر از امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی چنین نقل می‌کند:

يقول القائم لأصحابه: يا قوم، إن أهل مكة لا يريدونني و لكنني مرسل اليهم لأحتج عليهم بما ينبغي لمثلي أن يحتج عليهم، فيدعو رجلاً من أصحابه فيقول له: إمض إلي أهل مكة فقل يا أهل مكة أنا رسول فلان إليكم و هو يقول لكم: إنا أهل بيت الرحمة و معدن الرسالة و الخلافة و نحن ذرية عمدة و سلالة النبيين و إنا قد ظلمنا و اضطهدنا و قهرنا و ابتز منا حقنا منذ قبض نبينا إلي يومنا هذا فنحن نستنصركم فانصرونا. فإذا تكلم هذا الفتى بهذا الكلام أتوا إليه فذبحوه بين الركن و المقام و هي النفس الزكية، فإذا بلغ ذلك الإمام قال لأصحابه: ألا أخبرتكم أن أهل مكة لا يريدوننا...؟^{۳۰}

قائم علیه السلام به یارانش می‌فرماید: ای قوم من، مردم مکه مرا نمی‌خواهند، ولی برای آن‌که آن‌گونه که برای همانند من شایسته است، حجت را بر آنها تمام کنم، فرستاده‌ای به سوی ایشان می‌فرستم. سپس یکی از یارانش را فرا می‌خواند و به او می‌فرماید: به سوی اهل مکه برو و به آنها بگو ای مردم مکه من فرستاده فلانی (حضرت مهدی علیه السلام) به سوی شما هستم و او برای شما چنین پیغام فرستاده است که ما خاندان رحمت و جایگاه رسالت و خلافت هستیم، ما از نوادگان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و سلاله پیامبران هستیم، به ما

ظلم شده و آزار رسانده‌اند و ما را سرکوب کرده‌اند، از زمان رحلت پیامبر ﷺ تا به امروز، حق ما را گرفته‌اند، از شما طلب یاری می‌کنیم، پس یاری‌مان کنید. وقتی سخن این جوان تمام می‌شود، به او هجوم می‌آورند و در میان رکن و مقام او را سر می‌برند. چون خبر این ماجرا به امام مهدی علیه السلام می‌رسد، به یاران خویش می‌فرماید: آیا شما را خبر ندادم که اهل مکه ما را نمی‌خواهند....

بر اساس دلالت این حدیث که سند معتبری نیز ندارد، رسالت مهم نفس زکیه نمایندگی امام عصر علیه السلام و هدف او ابلاغ و رساندن پیام امام علیه السلام به مردمان مکه است. امام با توجه به این که مردمان مکه او را نمی‌خواهند، وی را به نمایندگی به سوی آنان می‌فرستد تا حجت بر ایشان تمام شود و بهانه‌ای برای یاری نکردن امام نداشته باشند. اما پس از رفتن نفس زکیه و ابلاغ پیام شفاهی امام، اهالی مکه او را می‌کشند.

بر اساس این روایت، این جریان قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام رخ می‌دهد و پیام‌رسانی نفس زکیه در حقیقت به منظور دعوت مردم آن‌جا برای یاری و کمک به امام معصوم علیه السلام در قیام آن حضرت است.

فرضیه دوم درباره اقدامات نفس زکیه که به شهادت او می‌انجامد، این است که هدف وی فراهم کردن فضای مناسب برای قیام جهانی امام مهدی علیه السلام است. به همین دلیل، به کار نظامی رو می‌آورد تا شهر مکه را تصرف کند و از این ره‌گذر امنیت لازم را برای امام مهدی علیه السلام پدید آورد، اما حرکت او ناتمام می‌ماند و در نهایت اهل مکه او را می‌کشند. بنابر فرضیه دوم، حسنی یاد شده، همان نفس زکیه است و البته هم‌چنان که گذشت، این مطلب قطعی نیست.

زمان شهادت نفس زکیه

روایت‌های متعددی بر نزدیک بودن زمان کشته شدن نفس زکیه و ظهور امام مهدی علیه السلام دلالت می‌کنند که برخی فاصله این حادثه را به طور مشخص و دقیق بیان کرده‌اند، ولی برخی دیگر تنها به نزدیک بودن این دو رخداد اشاره دارند. روایات یاد شده از این قرارند:

۱. امام صادق علیه السلام در حدیث معتبری فرموده‌اند:

ليس بين قيام القائم وبين قتل النفس الزكية إلا خمس عشرة ليلة؛^{۲۱}
میان قیام قائم و کشته شدن نفس زکیه تنها پانزده شب فاصله است.

امام صادق علیه السلام در این حدیث به صورت مشخص فاصله کشته شدن نفس زکیه و ظهور امام مهدی علیه السلام را پانزده شب بیان فرموده‌اند.

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام در روایت معتبری می‌فرمایند:

ألا أخبركم بأخبر ملك بني فلان؟ قلنا: بلي يا أمير المؤمنين! قال: قتل نفس

به دلیل روایت معتبر به قریشی بودن نفس زکیه می‌توان رأی داد. اما در مورد دیگر جزئیات نسب نفس زکیه به جهت فقدان دلیل متقن نمی‌توان قاطعانه اظهار نظر کرد

روایت صحیح و اسناد تاریخی کاملی در زمینه هدف نفس زکیه و اقدامات او که سبب شهادت وی می‌گردد، به دست ما نرسیده است.

حرام، في يوم حرام، في بلد حرام عن قوم من قريش
والذي حلق الحبة و برأ النسمة ما لم ملك بعده غير
خمس عشرة ليلة. قلنا: هل قبل هذا أو بعده من شيء؟
فقال: صيحة في شهر رمضان تفرع اليقظان و توظف
النائم و تخرج الفتاة من خدرها؛^{۳۱}

آیا شما را از زمان به پایان رسیدن سلطنت خاندان
فلان خبر ندهم؟ گفتیم: آری ای امیر مؤمنان علیه السلام!
حضرت فرمودند: هنگام کشته شدن شخصی بی گناه
در روزی حرام در ماه حرام از خاندان قریش. قسم به
آن که دانه را شکافت و آدمی را آفرید، پس از آن، بیش
از پانزده شب حکومتشان طول نخواهد کشید. پرسیدم:
آیا پیش و پس از این نشانه چیزی رخ می دهد؟ فرمود:
صیحه ای در ماه رمضان که بیداران به فرغ و افراد
خواب را بیدار می سازد و دختران جوان را از مخفی گاه
خویش خارج می کند.

در این حدیث واژه نفس زکیه نیامده است، ولی قراین
متعددی بر اتحاد شخصیت مورد نظر این روایت و نفس زکیه
وجود دارد که عبارتند از:

الف) نفس حرام به معنای کسی خواهد بود که کشتن او به
دلیل بی گناهی و پاکیزگی اش ممنوع است و نفس زکیه نیز می تواند
به معنای شخصیت پاک و بی گناه باشد؛

ب) کشته شدن این شخصیت در ایام حرام خواهد بود،
همچنان که کشته شدن نفس زکیه، پانزده روز قبل از ظهور امام
عصر علیه السلام یعنی در ماه ذوالحجة الحرام اتفاق خواهد افتاد؛

ج) شخص مورد نظر در روایت یاد شده، در سرزمین حرام
کشته خواهد شد، همان طور که نفس زکیه در مکه به قتل
خواهد رسید؛

د) کشته شدن این شخصیت با نابود شدن مسبب قتل او
پانزده شب بیشتر فاصله نخواهد داشت، همان گونه که بر اساس
روایت معتبر امام صادق علیه السلام میان کشته شدن نفس زکیه و
ظهور امام مهدی علیه السلام و قطع ریشه های ظلم و تباهی نیز همین
فاصله وجود دارد.

۳. امام باقر علیه السلام در روایتی فرموده اند:

...يقول القائم عليه السلام لأصحابه يا قوم إن أهل مكة
لا يريدونني. لكنني مرسل إليهم لأحتج عليهم بما
تنبغي لمثلي أن يحتج عليهم، فيدعوا رجلا من أصحابه
فيقول له: إمض إلي أهل مكة... فإذا تكلم هذا الفتى
بهذا الكلام أتوا إليه فذبحوه بين الركن والمقام وهي
النفس الزكية فإذا بلغ ذلك الإمام قال لأصحابه ألا
أخبر تكلم إن أهل مكة لا يريدوننا فلا يدعونني حتى
يخرج؛^{۳۲}

حضرت قائم علیه السلام به یارانانش می فرماید: ای قوم من،
مردم مکه مرا نمی خواهند، برای آن که آن گونه که برای
همانند من شایسته است، حجت را بر آنان تمام کنم،
فرستاده ای به سوی ایشان می فرستم. پس یکی از
یارانش را فرا می خواند و به او می فرماید: به سوی
اهل مکه برو... وقتی سخن این جوان تمام می شود
به او هجوم می آورند و در میان رکن و مقام او را سر
می برند. او همان نفس زکیه است، چون خبر این ماجرا
به امام مهدی علیه السلام می رسد، به یاران خویش می فرماید:
آیا به شما خبر ندادم که اهل مکه ما را نمی خواهند؟
پس آنها حضرت را رها نمی کنند تا آن حضرت خروج
می کند.

از این روایت نیز اتصال و نزدیک بودن شهادت نفس زکیه
و ظهور امام مهدی علیه السلام استفاده می شود؛ زیرا پس از رسیدن
خبر شهادت وی به امام مهدی علیه السلام اقدامات آن حضرت
صورت می گیرد و حضرت با ۳۱۳ نفر به مسجد الحرام می آیند
و ظهور آن حضرت آغاز می شود. بنابراین، اتصال و قرب زمانی
کشته شدن نفس زکیه و ظهور امام مهدی علیه السلام روشن و آشکار
است.

۴. امام باقر علیه السلام در حدیث دیگری فرموده اند:

ما أشكل عليكم فلم يشكل عليكم عهد نبي الله صلى الله عليه وآله
ورأيت و سلاحه و النفس الزكية من ولد الحسين عليه السلام
فإن أشكل عليكم هذا فلا يشكل عليكم الصوت من
السماء باسمه و أمره؛^{۳۳}

اگر امر بر شما مشتبه شود، عهد پیامبر خدا صلى الله عليه وآله

پرچم و سلاح او و نفس زکیه که از فرزندان امام حسین علیه السلام است، بر شما مشتبه نمی‌شود [این امر برای شناخت امام مهدی علیه السلام برایتان کافی است] و اگر اینها نیز برایتان مشتبه شد، ندای آسمانی که به اسم و کار او ندا می‌دهد، برایتان مشتبه نخواهد شد.

در این حدیث، امام علیه السلام کشته شدن نفس زکیه را در کنار عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله پرچم و سلاح آن حضرت و سپس در کنار ندای آسمانی، نشانه‌ای برای شناخت و تشخیص امام مهدی علیه السلام از میان مدعیان دروغین، بیان می‌فرماید.

بی‌تردید، قتل نفس زکیه، در صورتی می‌تواند معیار و ملاک شناخت آن حضرت باشد که این دو حادثه (کشته شدن نفس زکیه و ظهور امام مهدی علیه السلام) نزدیک به یکدیگر رخ دهد؛ چه این که فاصله زمانی بسیار، سبب خواهد شد که چنین اثری بر آن مترتب نگردد.

گفتنی است، میان مطلق علایم و علایم شناخت حضرت، تفاوت وجود دارد. علایم ظهور به شکل عام آن لزوماً برای شناخت امام مهدی علیه السلام نیستند، بلکه نزدیک بودن ظهور را نشان می‌دهند و در نتیجه، با وجود آنها روز پرشکوه ظهور را عامل امیدبخشی، خودسازی و زمینه‌سازی می‌توان انگاشت. به همین دلیل، علایم ظهور ممکن است از نظر زمانی با ظهور فاصله زیادی داشته باشند، اما علایمی که کارکردشان تعیین هویت و تشخیص امام مهدی علیه السلام هستند، باید نزدیک ظهور رخ دهند تا این خاصیت در آنها تحقق پذیرد.

۵. محمد بن صامت از امام صادق علیه السلام می‌پرسد:

ما من علامة بين يدي هذا الأمر؟ فقال: بلي، قلت: و ما هي؟ قال: هلاك العباسي و خروج السفيناني و قتل النفس الزكية، و الخسف بالبدياء و الصوت من السماء، فقلت: جعلت فداك أخاف أن يطول هذا الأمر؟ فقال: لا إنها هو كنظام الخرز يتبع بعضه بعضاً؛^{۲۵}

آیا پیش از ظهور علامتی وجود دارد؟ حضرت فرمودند: بلی. پرسیدم آنها چه هستند؟ امام فرمودند: آن علامت‌ها عبارتند از: هلاک شدن عباسی، قیام سفینانی، کشته شدن نفس زکیه، خسف بیداء و ندای آسمانی. به امام عرض کردم: فدایت شوم، می‌ترسم این امر طولانی شود! حضرت فرمودند: خیر چنین نخواهد شد؛ زیرا اینها همانند رشته منظمی به دنبال یکدیگر رخ می‌دهند.

امام صادق علیه السلام در این حدیث، فاصله طولانی میان این علامت‌ها را نفی و تصریح می‌فرماید که هلاکت عباسی، خروج سفینانی، کشته شدن نفس زکیه، خسف بیداء و ندای آسمانی و ظهور امام مهدی علیه السلام بدون فاصله زمانی و هم‌چون رشته‌ای منظم یکی پس از دیگری اتفاق خواهد افتاد.

ع. عمار یاسر در سخنی طولانی به نشانه‌های دولت اهل بیت در آخرالزمان می‌پردازد

علایم ظهور ممکن است از نظر زمانی با ظهور فاصله زیادی داشته باشند، اما علایمی که کارکردشان تعیین هویت و تشخیص امام مهدی علیه السلام هستند، باید نزدیک ظهور رخ دهند تا این خاصیت در آنها تحقق پذیرد.

و زمان ظهور امام عصر علیه السلام را چنین بیان می کند:

فَعِنْدَ ذَلِكَ تَقْتُلُ النَّفْسَ الزَّكِيَّةَ وَ أُخْوَهُ بِمَكَّةَ ضَيْعَةَ
فِي نَادِي مَنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَمِيرَكُمْ فُلَانٌ وَ
ذَلِكَ هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا
مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛^{۳۶}

در این هنگام نفس زکیه و برادرش در مکه کشته می شوند، پس منادی از آسمان ندا می دهد: ای مردمان، همانا امیر شما فلانی است؛ او همان مهدی است که زمین را هم چنان که از ظلم و ستم پر شده است، پر از عدل و قسط خواهد کرد.

گرچه این روایت از معصوم نیست و وی این سخنان را به هیچ یک از پیشوایان معصوم علیهم السلام نسبت نداده، به دلیل شخصیت ممتاز و ویژه عمار، اطمینان حاصل می شود که وی این کلام را از پیشوایان دینی شنیده و نقل کرده است. افزون بر این که به جهت نبود انگیزه برای نسبت دادن دروغ به عمار یاسر، می توان به صدور آن نیز مطمئن شد، یا دست کم می توان آن را مؤیدی بر آن چه گذشت به حساب آورد. ۷. شیخ طوسی از یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام چنین نقل می کند:

النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ غُلَامٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ يَقْتُلُ بِلَا جُرْمٍ وَ لَا ذَنْبٍ فَإِذَا قَتَلُوهُ لَمْ يَبْقَ لَهُمْ فِي السَّمَاءِ عَازِدٌ وَ لَا فِي الْأَرْضِ نَاصِرٌ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَبْعَثُ اللَّهُ قَائِمَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ...^{۳۷}

نفس زکیه نوجوانی از خاندان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به نام محمد بن حسن است. وی بدون گناه و جرم کشته می شود و چون او را کشتند، عذری در آسمان و یآوری در زمین نخواهند داشت. در این هنگام خداوند قائم آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را برخواهد انگيخت...

در نقل مجاهد (یکی از اصحاب پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) نیز ظهور امام عصر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از شهادت نفس زکیه دانسته شده است.^{۳۸} امیرمؤمنان علیه السلام نیز می فرماید:

لَا يَطْهَرُ اللَّهُ الْأَرْضَ مِنَ الظَّالِمِينَ حَتَّى يَسْفِكَ الدَّمِ الْحَرَامَ...^{۳۹}

خداوند زمین را از ظالمان پاک نخواهد کرد مگر هنگامی که خون حرام ریخته شود...

این سخن، بر نزدیک بودن زمان ظهور و کشته شدن نفس زکیه دلالت کند.

بر اساس آنچه در زمینه زمان شهادت نفس زکیه گذشت، نتیجه می گیریم که این دو رخداد نزدیک به یکدیگر صورت می پذیرند. افزون بر این که در برخی از روایات، فاصله زمانی کشته شدن نفس زکیه و ظهور امام تنها پانزده شب بیان شده است.

مکان شهادت نفس زکیه

روایات متعددی، مکان شهادت نفس زکیه را بیان کرده اند که آنها را به دو دسته تقسیم می کنیم:

۱. آنهایی که مکان کشته شدن وی را شهر مکه می دانند؛
۲. احادیث دیگری که محل کشته شدن او را میان رکن و مقام معرفی کرده اند.

باید توجه داشت که این دو دسته هیچ گونه تعارضی با یکدیگر ندارند؛ زیرا دسته دوم مکان دقیق شهادت را مشخص می کند و دسته اول تنها به شهری اشاره دارد که نفس زکیه در آن کشته می شود.

روایات دسته اول

بنابر این روایات، مکان شهادت نفس زکیه مکه است:

۱. امام علی علیه السلام در روایت معتبری فرموده اند:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَخْرَجَ مَلِكُ بَنِي فُلَانٍ؟ قُلْنَا: بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ: قَتَلَ نَفْسَ حَرَامٍ فِي يَوْمٍ حَرَامٍ فِي بَلَدٍ حَرَامٍ عَنْ قَوْمٍ مِنْ قُرَيْشٍ وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسْمَةَ مَا لَهُمْ مَلِكٌ بَعْدَهُ غَيْرَ خَمْسِ عَشْرَةَ لَيْلَةً؛^{۴۰}

آیا شما را از زمان پایان یافتن سلطنت خاندان فلان خبر ندهم؟ گفتیم: آری، ای امیرالمؤمنین! حضرت فرمودند: هنگام کشته شدن شخصی بی گناه در روزی حرام در ماه حرام از خاندان قریش. قسم به آن خدا که دانه را شکافت و انسان را آفرید پس از آن بیش از پانزده شب حکومتشان طول نخواهد کشید.

۲. از عمار نیز چنین روایت شده است:

... فعند ذلك يقتل النفس الزكية وأخوه بمكة ضبيعة^{۲۱}...
... در این هنگام نفس زکیه و برادرش در مکه کشته می‌شوند.

روایات دسته دوم

۱. امام باقر علیه السلام در بیان نشانه‌های ظهور امام مهدی علیه السلام فرموده است:

و خروج السفیانی من الشام و الیمن و یمن و خسف بالیداء و قتل غلام من آل محمد علیه السلام بین الرکن و المقام اسمه محمد بن الحسن النفس الزکیة^{۲۲} (ظهور هنگامی است که) سفیانی از شام و یمانی از یمن قیام کنند و فرو رفتن سرزمین یبداه رخ دهد و جوانی از خاندان پیامبر که نامش محمد بن حسن نفس زکیه است، در بین رکن و مقام کشته شود و ...

۲. امام صادق علیه السلام نیز در ضمن حدیثی می‌فرماید:

... خروج السفیانی من الشام و الیمن و خسف بالیداء و قتل غلام من آل محمد علیه السلام بین الرکن و المقام اسمه محمد بن الحسن و لقبه النفس الزکیة... فعند ذلك خروج قائمنا^{۲۳} هنگامی که سفیانی از شام و یمانی از یمن قیام کنند و فرو رفتن در سرزمین یبداه رخ دهد و جوانی از خاندان پیامبر علیه السلام که نامش محمد بن حسن و لقبش نفس زکیه است، در میان رکن و مقام کشته شود... در این هنگام قائم ما قیام خواهد کرد.

۳. امام باقر علیه السلام در روایت دیگری می‌فرماید:

فیدعو رجلاً من أصحابه فيقول له: إمض إلى أهل مكة فقل: يا أهل مكة أنا رسول فلان إليكم وهو يقول لكم: إنا أهل بيت الرحمة ومعدن الرسالة والخلافة... فإذا تكلم هذا الفتى بهذا الكلام أتوا إليه فذبحوه بين الركن والمقام وهي النفس الزكية...^{۲۴} امام مهدی علیه السلام مردی از یارانش را فرا می‌خواند و می‌فرماید: به سوی اهل مکه برو و به آنان بگو: «ای مردم مکه! من فرستاده فلان هستم و پیام او چنین است: "ما خاندان رحمت و جایگاه رسالت و خلافت هستیم..."» وقتی سخن این جوان تمام می‌شود، به او هجوم می‌آورند و او را در میان رکن و مقام سر می‌برند و او همان نفس زکیه است...

۴. امام علی علیه السلام در بیان نشانه‌های ظهور می‌فرماید:

ولذلك آيات و علامات... والمذبوح بين الركن والمقام... وخروج السفیانی

برایه خضراء؛^{۲۵}

برای این واقعه (ظهور امام مهدی علیه السلام) نشانه‌ها و علایمی است... کشته شدن کسی که بین رکن و مقام سر بریده می‌شود... و قیام سفیانی با پرچمی سبز...

در این روایت نام نفس زکیه به صراحت برده نشده است، اما با توجه به مجموع احادیث پیش گفته شده در زمینه علایم ظهور تنها نفس زکیه میان رکن و مقام کشته می‌شود. یاد شدن شخصیت مورد نظر در کنار سفیانی نیز قرینه‌ای دیگر بر این حقیقت است که مذبوح بین رکن و مقام همان نفس زکیه است.

۵. سلمان در سخنانی از امام صادق علیه السلام، حوادث آینده را چنین پیش‌گویی کرده است:

أما إني سأحدثكم بالنفس الطيبة الزكية و تضييع دمه بين الركن و المقام المذبوح ذبح الكيش؛^{۲۶}
من شما را از کشته شدن نفس پاک و بی‌گناه و ریخته شدن خون او در میان رکن و مقام خیر می‌دهم؛ او که مانند قوچ سرش بریده می‌شود.

بر اساس مجموع روایات یادشده که در بین آنها روایت معتبر نیز وجود دارد، کشته شدن نفس زکیه در مکه قطعی است و درباره کشته شدن او در میان رکن و مقام نیز با توجه به تعدد روایات در این موضوع و تنوع منابع آن و نیز گزارش آنها در منابع دسته اول حدیثی، می‌توان اطمینان حاصل کرد.

نفس زکیه و محمد بن عبدالله

آیا نفس زکیه یادشده در روایات علایم ظهور، همان ابوعبدالله محمد بن عبدالله بن حسن بن علی بن ابی‌طالب ملقب به نفس زکیه است که در عصر منصور خلیفه عباسی قیام کرد و همراه همه یارانش کشته شد؟

مرحوم محمد صدر، نویسنده کتاب تاریخ غیبت کبرا بر این سخن تأکید و پافشاری می‌کند که نفس زکیه یاد شده در روایات علایم ظهور، همان نفس زکیه است که در زمان امام صادق علیه السلام کشته شد. وی در دو مرحله به اثبات ادعای خویش می‌پردازد: الف) در مرحله نخست، قرینه‌هایی را یاد می‌آورد که بر تفاوت

نفس زکیه با محمد بن عبدالله بن الحسن دلالت می‌کند و در مردود دانستن آنها تلاش می‌نماید.

ب) در مرحله دوم، قراین دیگر را مطرح می‌کند تا انطباق نفس زکیه با محمد بن عبدالله را نتیجه بگیرد.^{۲۷}

قراینی که به نظر مرحوم صدر بر انطباق نداشتن نفس زکیه با محمد بن عبدالله دلالت دارند و نقد ایشان بر این قراین، بدین قرار است:
قرینه اول

نفس زکیه به یقین بین رکن و مقام کشته می‌شود و محمد بن عبدالله در این مکان شهید نشده بلکه در «احجار الزیت» مدینه کشته شده است. بنابراین، روشن می‌شود که نفس زکیه غیر از محمد بن عبدالله است.

مرحوم صدر در پاسخ به این قرینه می‌گوید:

اگر این قرینه ثابت می‌شد، به تنهایی برای رد نظریه انطباق کافی بود، لکن ما پیش از این گفتیم که کشته شدن بین رکن و مقام، دلیل محکمی ندارد.

وی می‌افزاید که در بحار الأنوار دو حدیث نقل شده که برای اثبات این مطلب بس نیست و ارتکاز ذهنی و شهرت مردمی برای اثبات امری تاریخی کفایت نمی‌کنند؛ اگر در آینده اتفاق افتاد، دلیل بر صدق آن می‌شود، ولی اگر اتفاق نیفتاد، بر ما لازم نیست که منتظرش باشیم؛ زیرا دلیلی بر آن نداریم. افزون بر آن، این مطلب را با حدیثی که شیخ مفید در ارشاد نقل کرده، در تعارض می‌بیند؛ در آن حدیث، نفس زکیه در پشت دروازه کوفه همراه با هفتاد نفر از اشخاص صالح کشته می‌شود. این خبر هم نمی‌تواند مسئله‌ای تاریخی را اثبات کند، ولی وضع آن بدتر از روایاتی نیست که مقتل نفس زکیه را بین رکن و مقام تعیین می‌کنند. پس این روایت می‌تواند با آن معارضه کند و در صورت تعارض، هر دو از درجه اعتبار ساقط می‌شوند.

وی می‌افزاید: اما آن‌چه در کتاب ارشاد نقل شده که ذبح مرد هاشمی بین رکن و مقام خواهد بود، آن هم بر مقصود ما دلالت نمی‌کند؛ چون ممکن است آن فرد هاشمی شخصی زکی و آزمایش شده نباشد. به علاوه، روایتی که ضعف سندی دارد، نمی‌تواند حقیقتی تاریخی را اثبات کند.

همان گونه که در بحث از مکان شهادت یادآور شدیم، ده روایت با اسناد مختلف از امامان معصوم علیهم السلام با دو مضمون که یکدیگر را تأیید می‌کردند، به دست ما رسیده که در بخشی از آنها مکان شهادت نفس زکیه، مکه و در برخی دیگر، مکان آن بین رکن و مقام معرفی شده است. از مجموع احادیث یاد شده به این اطمینان می‌رسیم که مکان شهادت نفس زکیه (علامت ظهور) در مکه خواهد بود و این مطلب برای اثبات انطباق نداشتن نفس زکیه با محمد بن عبدالله کافی است.

نکته دیگری که مرحوم صدر به آن اشاره فرموده‌اند، تعارض میان روایت رکن و مقام با روایتی است که شیخ مفید در کتاب *ارشاد* بیان کرده است. بر اساس آن روایت، نفس زکیه با همراهانش در پشت کوفه به شهادت می‌رسند که با این تعارض هردو روایت از اعتبار ساقط خواهند شد. در جواب این سخن اشاره به چند نکته کافی است:

۱. مرحوم شیخ مفید، کشته شدن نفس زکیه در پشت کوفه را روایت نکرده است، تا بتوان با بررسی دلالت و سند و چگونگی تعارض و تعادل و تراجم آن روایت، روایت‌های رکن و مقام و مکه را بررسی کرد بلکه ایشان به طور کلی فرموده‌اند:

قد جائت الأخبار بذكر علامات لزمان قيام القائم المهدي عليه السلام و حوادث تكون أمام قيامه و آيات و دلالات: فمنها خروج السفيناتي و قتل الحسنی... و قتل نفس زکیة بظهر الكوفة في سبعين من الصالحين و ذبح رجل هاشمي بين الركن و المقام...^{۲۸}

اخبار بسیاری درباره علایم ظهور و پیش آمدها و نشانه‌هایی که قبل از قیام آن حضرت رخ می‌دهد وارد شده که، از آن جمله است: خروج سفینانی و کشته شدن سید حسنی... و کشته شدن نفس زکیه به همراه هفتاد نفر از نیکوکاران در پشت کوفه و کشته شدن مردی هاشمی میان رکن و مقام و...

البته حدیثی از امام امیرمؤمنان علیه السلام وجود دارد که این عبارت شیخ مفید در آن آمده است و بعید نیست که منظور شیخ مفید نیز همین حدیث باشد:

و قتل النفس الزکیة بظهر الكوفة في سبعين و المذبوح بين الركن و المقام.^{۲۹}

این روایت به جهت این که سند معتبری ندارد، نمی‌تواند با مجموعه روایاتی مقابله کند که مکان کشته شدن نفس زکیه را مکه می‌دانند.

۲. بر فرض وجود یک روایت معتبر مبنی بر شهادت نفس زکیه در پشت کوفه و تعارض آن با روایاتی که مکان شهادت وی را مکه و یا بین رکن و مقام معرفی می‌کنند، روایات اخیر به دلیل کثرت، بر آن روایت مقدم خواهند بود.

۳. زمانی تعارض معنا پیدا می‌کند که دو روایت دارای یک موضوع باشند و مکان شهادت یک نفس زکیه را بخواهند بیان کنند؛ حال آن که ممکن است روایت *ارشاد* به بیان مکان شهادت نفس زکیه‌ای غیر از نفس زکیه روایت رکن و مقام پرداخته باشد و

بر اساس مجموع روایات که در بین آنها روایت معتبر نیز وجود دارد، کشته شدن نفس زکیه در مکه قطعی است.

در نتیجه، دو روایت، دو مضمون اثباتی را برسانند و هیچ‌گونه تنافی نداشته باشند.

بنابراین، با توجه به روایات متعددی که مکان شهادت نفس زکیه را مکه معرفی کرده‌اند و قواعد تعارض، به این نتیجه می‌رسیم که مرحوم صدر به قرینه اول پاسخ کافی نداده و این قرینه دلیل بر مغایرت نفس زکیه (علامت ظهور) با محمد بن عبدالله خواهد بود.

قرینه دوم

مرحوم صدر، قرینه دیگر درباره تغایر و انطباق نداشتن نفس زکیه با محمد بن عبدالله را روایاتی می‌داند که پیشوایان دینی درباره قتل نفس زکیه فرموده‌اند. این روایات‌ها بعد از کشته شدن محمد بن عبدالله (نفس زکیه) صادر شده که نشان می‌دهد بعد از کشته شدن او، هنوز امامان علیهم‌السلام منتظر این علامت بوده‌اند و آن را از علایم ظهور دانسته‌اند.

صاحب کتاب تاریخ غیبت کبری در پاسخ به این قرینه می‌نویسد:

اگر این قرینه ثابت شود، باز دلیلی کافی برای رد نظریه فوق است، ولی قابل اثبات نیست؛ زیرا تمام روایاتی که در این باره وارد شده، از حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام است. اما امام باقر علیه السلام پیش از نفس زکیه می‌زیسته و امام صادق علیه السلام هم معاصر با منصور دوانیقی و نفس زکیه بوده است و آن حضرت به عبدالله بن حسن پدر نفس زکیه می‌فرمود که نهضت فرزند او به جایی نخواهد رسید و پیروز نخواهد شد و امیدش را برای رسیدن به خلافت قطع می‌کرد و به او می‌فرمود: «به خدا سوگند، این امر نه برای تو و نه برای فرزند تو است، بلکه به این شخص (یعنی سفاح) خواهد رسید و بعد برای این (یعنی منصور) و بعد برای مدت‌ها از آنها خواهد بود تا این که بچه‌ها به امارت برسند و زنان مورد شور و مشورت قرار گیرند. عبدالله گفت: به خدا سوگند ای جعفر، خداوند تو را بر غیب آگاه نساخته است و این سخن را جز از راه حسد بر فرزندم نگفتی! حضرت فرمودند: به خدا سوگند من نسبت به پسر

تو حسادت نوریذیم؛ این شخص (منصور) او را در احجار الزیت (محلی در مدینه) خواهد کشت و بعد از او برادرش را در ساحل دریا می‌کشد، در حالی که پاهای اسبش در آب است.»^{۵۰}

به هر حال، دلیلی وجود ندارد که روایات بعد از کشته شدن محمد بن عبدالله نفس زکیه صادر شده باشد، اگر نگوییم که گمان و ظن بر خلافت داریم.

نقد و بررسی

هم‌چنان که تقدم زمانی این احادیث بر کشته شدن محمد بن عبدالله لزوماً به معنای اختلاف نفس زکیه با محمد بن عبدالله نیست، از این تقدم، اتحاد این دو را نیز نمی‌توان استفاده کرد، بلکه باید با توجه به سایر قراین در این باره قضاوت نمود. به رغم پذیرش تقدم زمانی این احادیث بر کشته شدن محمد بن عبدالله، با توجه به روایاتی که محل کشته شدن نفس زکیه را مکه می‌داند و سایر قراینی که خواهد آمد، نفس زکیه را با محمد بن عبدالله متفاوت می‌دانیم.

قرینه سوم

چنان که یاد کرده‌اند، محمد بن عبدالله شخصی چندان پاک و آزمایش شده و باخلاص نیست و باید در انتظار کشته شدن شخصی باخلاص‌تر و آزمایش‌شده‌تر از او بود؛ زیرا وی به طوری که در مقاتل الطالبین آمده، مدعی مهدویت شد و پدرش او را جلو انداخت و وی را مهدی دانست و بعد از زوال حکومت بنی‌امیه و پیش از روی کار آمدن بنی‌عباس برای بنی‌هاشم چنین سخن‌رانی کرد:

شما می‌دانید که ما همیشه می‌شنیدیم که وقتی برخی از اینها به جان برخی دیگر بیفتند و یک‌دیگر را بکشند، کار از دستانشان بیرون می‌رود. اینها صاحب خود (ولید بن یزید) را کشته‌اند. بیایید با محمد بیعت کنیم. شما می‌دانید که او مهدی است.

آن‌گاه حضرت امام صادق علیه السلام به او فرمود:

امر خلافت به تو و فرزندان نمی‌رسد، بلکه برای اینهاست و دو پسر تو کشته می‌شوند.^{۵۱}

محمد بن عبدالله بن حسن از دوران کودکی پنهان گشته و نمایندگان به اطراف فرستاده و مردم را به سوی خود می‌خواند و مهدی نامیده می‌شده است.^{۵۲}

مرحوم صدر می‌فرماید: ما اکنون نمی‌خواهیم درباره او مناقشه و اشکال کنیم، فقط همین اندازه می‌دانیم که وی پیش از آن که جایی را بگیرد، کشته شد که خود بر کذب ادعای او دلیل کافی است، بلکه با این حساب، وی شخص پاک و بااخلاص نبوده، بلکه دروغ‌گو و منحرف بوده است و لذا باید در انتظار نفس زکیه دیگری بود تا پیش از ظهور حضرت کشته شود. اگر این مسئله تاریخی ثابت شود، چاره‌ای نیست جز این که به انحراف این سید انقلابی معتقد شد. ولی دلیل نمی‌شود که مقصود از اخبار قتل او نیست؛ زیرا در این صورت قتل نفس زکیه یعنی قتل محمد بن عبدالله که معتقدانش نام زکیه را بر وی نهاده‌اند و طبق شهرتی که در بین مردم پیدا کرده، در روایت هم به همان اسم آمده است.

نقد و بررسی

بر اساس استدلال مرحوم صدر و روایات نفس زکیه از امام باقر و صادق علیهما السلام، اکنون جای طرح این پرسش است که شهرت محمد بن عبدالله به نفس زکیه قبل از کشته شدن وی صورت گرفته و یا پس از کشته شدن. چنانچه وی به این لقب پس از قتل مشهور شده، پس روایاتی که او را نفس زکیه گفته‌اند پس از کشته شدن او صادر شده است. بنابراین، روایات یاد شده درباره نفس زکیه نیست؛ زیرا وقتی امام علیه السلام علامتی را بیان می‌کند، پس از بیان امام باید آن علامت تحقق یابد. بنابراین، باید نفس زکیه در بیان این دو امام غیر از محمد بن عبدالله انقلابی باشد.

اما اگر ادعا شود که نفس زکیه لقب وی، قبل از شهادتش بوده و امام بر اساس شهرت او به نفس زکیه این لقب را برای اشاره به وی به کار برده است، این سخن نیز نمی‌تواند درست باشد؛ زیرا روایاتی که از امام باقر علیه السلام نقل شده است و در آنها امام علیه السلام به نفس زکیه تعبیر می‌فرمایند، بنابر قول مشهور در شهادت آن امام همام تا قبل از سال ۱۱۴ قمری، صادر شده‌اند. در نتیجه محمد بن عبدالله در هنگام شهادت امام باقر علیه السلام چهارده ساله بوده است. افزون بر این که شاید این روایات در همان سال آخر عمر شریف آن حضرت صادر نشده باشد، بلکه ممکن است چند سال پیش از شهادت، واژه نفس زکیه را در بیان خویش به کار برده باشد. از این رو، محمد بن عبدالله در زمان صدور حدیث کمتر از چهارده سال داشته است. بر این اساس، اطلاق واژه نفس زکیه به محمد بن عبدالله از باب شهرت وی به این لقب نیست؛ چه این که بسیار بعید است که محمد بن عبدالله با سن کم، دارای لقب مذکور باشد.

بنابراین، اگر نفس زکیه را همان محمد بن عبدالله بدانیم، باید پذیرفت که اطلاق این واژه به وی نه از جانب طرفداران بلکه از ناحیه امام باقر علیه السلام بوده است. از این رو، باید وی شخصیت پاک و بااخلاصی باشد، در حالی که به یقین وی چنین نبوده است و در نتیجه نفس زکیه غیر از محمد بن عبدالله خواهد بود.

قرینه چهارم

کشته شدن محمد بن عبدالله پیش از تولد حضرت مهدی علیه السلام بوده است و در این صورت، نمی‌توان آن را جزء علایم ظهور دانست و باید منتظر شخص دیگری بود.

نقد مرحوم صدر

ایشان در پاسخ به قرینه یاد شده، دلایل چندانی را بر آن مترتب نمی‌داند. مرحوم صدر، امکان وجود علامتی پیش از تولد آن حضرت را یاد می‌کند و علت آن را چنین می‌داند که برنامه‌ریزی الهی فقط از زمان اسلام شروع نشده، بلکه از آغاز زندگی بشر بوده است. بنابراین، تمام پدیده‌های بزرگ ممکن است به ظهور اشاره‌ای داشته باشند و ما پیش از این شنیده‌ایم که نابودی دولت اموی و قیام دولت عباسی و خروج پرچم‌های سیاه از نشانه‌های ظهور به شمار می‌روند و تمامی اینها پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام است.

نقد و بررسی

سخن مرحوم صدر پذیرفتنی است، به این معنا که برخی از علامت‌های بیان شده در روایات پیش از تولد امام مهدی علیه السلام رخ داده است. اما همان‌طور که احتمال دارد کشته شدن محمد بن عبدالله علامت ظهور باشد، این احتمال نیز نفی نمی‌شود که شهادت نفس زکیه در عصر نزدیک به ظهور، نشانه‌ای بر ظهور باشد. قراین خارجی معیار قضاوت در این‌باره هستند و ما بر این باوریم که با توجه به روایات زمان و مکان کشته شدن نفس زکیه، وی محمد بن عبدالله بن الحسن نیست.

قرینه پنجم

پیش‌گویی قتل نفس زکیه در روایات همراه یا بعد از وقایعی ذکر شده که به یقین تاکنون تحقق نیافته‌اند. لذا فهم عمومی از سیاق عبارات همان است که این علامت نیز تاکنون انجام نشده باشد. بنابراین، نمی‌توان مقصود از نفس زکیه را محمد بن عبدالله دانست، بلکه اشاره به کشته شدن شخص دیگری است که در آینده انجام خواهد گرفت.

از جمله روایات، پنج علامت است که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

برای قائم پنج علامت است: سفیانی، یمانی، صیحه آسمانی، قتل نفس زکیه و فرو رفتن در زمین.^{۸۳}

روایاتی که امور حتمی را بر شمرده‌اند، همانند فرمایش دیگری از امام صادق علیه السلام است که فرمودند:

ندا از حتمیات است، سفیانی و یمانی و نفس زکیه نیز حتمی هستند...^{۸۴}

روشن است که خروج سفیانی، یمانی و صیحه آسمانی تاکنون ایجاد نشده‌اند، پس قتل نفس زکیه نیز که در ردیف آنها ذکر شده، تاکنون به وقوع نپیوسته است.

نقد مرحوم صدر

ایشان در نقد قرینه فوق، این گفتار را صحیح نمی‌داند و علت آن را سیاق عبارات می‌داند که به موجب آن، باید این امور هنگام صدور روایت واقع نشده باشند. ایشان در این‌باره می‌گویند که بعد از صدور روایت، برخی از علایم زودتر انجام می‌گیرد و برخی به تأخیر می‌افتد و وقوع علایم به زودی و یا با تأخیر، به سیاق کلام و عبارت ربطی ندارد، به خصوص که این علایم با کلمه «واو» عطف شده‌اند و «واو» برخلاف کلمه «او» یا «ثم» یا «فاء» به طوری که عالمان نحو گفته‌اند، برای ترتیب نیست.

نقد و بررسی

سخن مرحوم صدر در زمینه امکان تحقق با فاصله علایم درست است، اما می‌توان گفت وقتی یک علامت در میان چهار علامت دیگری واقع می‌شود که همه آنها در عصر نزدیک به ظهور رخ می‌دهد، چنین چیزی را تقویت می‌کند که زمان تحقق آن علامت نیز در عصر نزدیک به ظهور خواهد بود. دست‌کم این احتمال نیز وجود دارد و با توجه به دیگر قراینی که بر نزدیکی کشته شدن نفس زکیه با ظهور دلالت می‌کند، این احتمال تثبیت می‌شود.

قرینه ششم

با در نظر گرفتن این روایت که قبلاً گفته شد: «بین قیام قائم و بین قتل نفس زکیه جز پانزده شب فاصله نخواهد بود»، می‌دانیم که بین قتل محمد بن عبدالله نفس زکیه تا ظهور

حضرت فاصله بسیاری افتاده و تاکنون بیش از ۱۲۰۰ سال طول کشیده است. بنابراین، روایات قتل نفس زکیه را درباره محمد بن عبدالله نمی‌توان دانست.

پاسخ مرحوم صدر

مرحوم صدر می‌فرماید: این قرینه نیز درست نیست؛ زیرا این روایت در بسیاری از کتاب‌های شیعی مثل *ارشاد* شیخ مفید، *غیبت* شیخ طوسی و *کمال‌الدین* صدوق آمده است، ولی همگی به یک راوی می‌رسند؛ ثعلبه که از شعیب و او از صالح نقل می‌کند. ثعلبه در کتاب *ارشاد* و *کمال‌الدین* «ابن میمون» و شعیب در کتاب *الغیبه* و *ارشاد* «حداد» و در *کمال‌الدین* «حذاء» و «صالح»، در کتاب *ارشاد* «ابن میثم» و در *کمال‌الدین* به مولی بنی العذراء توصیف شده‌اند. به هر حال، این روایات در بهترین فرض، یک خبر حساب می‌شود و ما بر اساس ضوابط سندی، تمسک به یک خبر را در این گونه موارد نپذیرفتیم.

نقد و بررسی

همچنان که در بحث زمان شهادت نفس زکیه به تفصیل گذشت، روایت مورد نظر مرحوم صدر از نظر سندی معتبر است. از سوی دیگر، روایاتی که بر اتصال کشته شدن نفس زکیه و ظهور امام مهدی علیه السلام دلالت می‌کنند نیز معتبر هستند و چون ما درباره روایت یاد شده و دیگر روایات به تفصیل بحث کردیم، از تکرار آن در می‌گذریم.

نقد و بررسی نظریه انطباق

سخن مرحوم صدر دارای تفصیل و بسط فراوان در اثبات انطباق نفس زکیه بر محمد بن عبدالله است، ولی دلیل مطمئنی در این زمینه وجود ندارد، بلکه در مرحله اثبات قراین بر انطباق نیز تنها به دو روایت استناد شده است:

۱. روایتی از ابوالفرج اصفهانی در *مقاتل الطالبین* که طبق آن حضرت باقر علیه السلام از پدرانش نقل می‌فرماید: «نفس از فرزندان حسن است.» وی دلالت این حدیث را بر این که مقصود از نفس زکیه، همان فرزند امام حسن علیه السلام است، روشن و واضح می‌داند.
۲. روایت دوم از قول عبدالله بن موسی است که وی نقل می‌کند:

عده‌ای از علمای مدینه به نزد علی بن الحسن آمدند و این مسئله (مطالبه حکومت) را با او مطرح کردند. او گفت: محمد بن عبدالله از من شایسته‌تر و سزاوارتر برای حکومت است. آن‌گاه حدیث طولانی را ذکر کرد؛ سپس «احجار الزیت» را به من نشان داد و گفت: نفس زکیه در این جا کشته می‌شود.

عبدالله بن موسی می‌گوید:

ما کشته او را در همان‌جا دیدیم که به آن اشاره کرده بود.

همچنین مرحوم صدر حدیث دیگری را از مسلم بن بشار نقل کرده که وی گفت: در

کنار غنائم خشرم همراه محمد بن عبدالله بودم. او به من گفت: در این جا نفس زکیه کشته می‌شود. منظور خودش بود که بعدها در همان مکان به شهادت رسید.

مرحوم صدر این قراین را در اثبات انطباق نفس زکیه با محمد بن عبدالله به ضمیمه مردود دانستن قراین افتراق این دو، کافی می‌داند و با جزم و پافشاری بر این ادعا تأکید می‌ورزد.

نقد و بررسی

یکم. نقد سندی: در سند روایت اول، کسانی هم‌چون علی بن عباس و عمر بن موسی وجود دارند؛ علی بن عباس مشترک بین چهار نفر است که همه آنها یا در کتاب‌های رجالی توصیف نشده و یا ضعیف شمرده شده‌اند^{۵۵} و عمر بن موسی نیز توصیف نشده است.^{۵۶} بنابراین، استناد به روایت درست نیست.

دو روایت اخیر نیز از امام معصوم نیست، بلکه اولی از علی بن حسن و دومی از محمد بن عبدالله است و استناد به روایت غیر معصوم برای اثبات ادعای یاد شده، ضعف و سستی روشنی دارد.

دوم. نقد دلالی: خیر امام باقر علیه السلام درباره این که نفس زکیه از فرزندان امام حسن است، تنها نسب نفس زکیه را مشخص می‌کند، اما اثبات نمی‌کند که مقصود امام همان محمد بن عبدالله باشد و شخص دیگری در زمان آینده به این نسب وجود نخواهد داشت. هم‌چنین کشته شدن محمد بن عبدالله در آن مکان مشخص که در قراین بعدی آمده است نیز هیچ تنافی‌ای با تحقق نفس زکیه‌ای در پیش از ظهور امام عصر علیه السلام ندارد و به اصطلاح بر فرض پذیرش، دو دلیل مثبت وجود خواهد داشت که اثبات هر یک، با دیگری تنافی ندارد.

از آن چه گذشت، به ویژه اول و ششم روشن شد که نفس زکیه‌ای که در روایات علایم‌الظهور مطرح شده، غیر از محمد بن عبدالله بن حسن محسوب می‌شود و باید در آینده منتظر تحقق این علامت بود که یکی از نشانه‌های ظهور امام مهدی علیه السلام است.

پی نوشت‌ها

* کارشناس مرکز تحقیقات مهدویت قم

۱. محمدبن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۹ و... چاپ دوم: نشر صدوق، تهران ۱۴۱۸ قمری.
۲. محمد بن یعقوب کلینی، روضة الکافی، ص ۲۴۵، روایت ۴۸۳، انتشارات دارالتعارف للمطبوعات، بیروت ۱۴۱۱ قمری. (سند این حدیث به این صورت است: «محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن حکم، عن أبی یعقوب الحرّاز عن عمر بن حفظة قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ...»
درباره وثاقت محمد بن یحیی نک: ابوالقاسم خوبی، معجم رجال الحديث، ج ۱۸، ص ۳۰، چاپ چهارم: انتشارات دارالزهراء، بیروت ۱۴۰۹ قمری.
درباره وثاقت احمد بن محمد عیسی نک: همان، ج ۲، ص ۳۹۶؛
درباره وثاقت علی بن حکم نک: همان، ج ۱۱، ص ۳۹۴؛
درباره وثاقت ابی ایوب الحرّاز نک: همان، ج ۱، ص ۲۶۵؛
درباره وثاقت عمر بن حفظة نک: شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۷، ص ۴۴۲، چاپ اول: انتشارات مؤسسه المعارف الاسلامیة، قم ۱۴۱۶ قمری؛ امام خمینی رحمته الله
کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۷۶، چاپ اول: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله ۱۴۲۱ قمری.
۳. نعمانی، الغیبة، باب ۱۶، ص ۴۰۶، روایت ششم.
۴. همان، باب ۱۴، ص ۳۶۳، روایت یازدهم و ص ۳۵۷، روایت یازدهم؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، باب ۵۷، ج ۲، ص ۵۵۶، روایت هفتم، چاپ دوم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲ شمسی.
۵. کمال الدین، باب ۵۷، ج ۲، ص ۵۵۸، روایت چهاردهم. سند این روایت به این صورت است: «حدّثنا محمد بن موسی بن المتوکل، عن عبدالله بن جعفر الحمیری، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن الحسن بن محبوب بن محبوب عن أبی حمزة الثمالی قال: ...»
درباره وثاقت محمد بن موسی نک: معجم رجال الحديث، ج ۱۷، ص ۲۳۴؛
درباره وثاقت عبدالله بن جعفر الحمیری نک: همان، ج ۱۰، ص ۱۳۹؛
درباره وثاقت احمد بن محمد بن عیسی نک: همان، ج ۲، ص ۳۹۶؛
درباره وثاقت حسن بن محبوب نک: همان، ج ۵، ص ۸۹؛
درباره وثاقت ابی حمزة ثمالی نک: همان، ج ۳، ص ۲۸۵.
۶. نعمانی، الغیبة، باب ۱۴، ص ۳۷۲، روایت ۲۶.
۷. ابن اثیر، النهایة فی غریب الحديث، ج ۲، ص ۳۰۷، چاپ چهارم: انتشارات مؤسسه اسماعیلیان، قم ۱۳۶۴ شمسی.
۸. نعمانی، الغیبة، باب ۱۴، ص ۳۶۵، روایت هفدهم.

۹. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۲۳، چاپ چهارم: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۴۲۴ قمری.

۱۰. سوره کهف، آیه ۷۴.

۱۱. محمد صدر، تاریخ الغیبة الکبری، ص ۵۴۰، چاپ دوم: انتشارات ذوی القربی، ۱۴۲۵ قمری.

۱۲. همان، ص ۵۰۵.

۱۳. کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، ص ۶۰۴، روایت شانزدهم. (سند این حدیث به این صورت است: «حدّثنا محمد بن عصام، عن محمد بن یعقوب کلینی، عن قاسم بن الغلاء، عن اسماعیل بن علی القزوینی، عن علی بن اسماعیل، عن عاصم بن حمید الحنطی، عن محمد بن مسلم، قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: ...»
این حدیث به دلیل وجود محمد بن محمد بن عصام ضعیف است. (نک: معجم رجال الحديث، ج ۱۷، ص ۱۹۹)

۱۴. علی کورانی، معجم احادیث الامام المهدي رحمته الله ج ۳، ص ۴۹۳، روایت ۱۰۶۳، چاپ اول: انتشارات مؤسسه المعارف الاسلامیة، قم ۱۴۱۱ قمری. (به نقل از: مختصر اثبات الرجعة، روایت هجدهم) سند این روایت به این صورت است: «حدّثنا صفوان بن یحیی عن محمد بن حرمان عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام قال: ...»

۱۵. کمال الدین، ج ۲، باب ۵۷، ص ۵۵۹، روایت چهاردهم.

۱۶. معجم احادیث الامام المهدي رحمته الله ج ۳، ص ۴۹۳. (به نقل از: مختصر اثبات الرجعة، روایت هجدهم)

۱۷. نعمانی، الغیبة، باب ۱۴، ص ۳۶۴، روایت شانزدهم. سند این حدیث به این صورت است: «أخبرنا أحمد بن محمد بن سعید عن علی بن الحسن، عن ابن ابی یعفور عن أبا عبد الله عليه السلام قال: ...»

برای اعتبار احمد بن محمد بن سعید نک: معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۲۷۴؛
برای اعتبار علی بن الحسن نک: همان، ج ۱۱، ص ۳۳۱؛

برای اعتبار علی بن مهزیار نک: همان، ج ۱۲، ص ۱۹۲؛

برای اعتبار حماد بن عیسی نک: همان، ج ۶، ص ۲۲۵؛

برای اعتبار حسین بن المختار نک: همان، ص ۸۷؛

برای اعتبار ابن ابی یعفور نک: همان، ج ۱۰، ص ۹۶.

۱۸. همان، باب ۱۴، ص ۳۶۴، روایت هفدهم. سند این حدیث به این صورت است: «أخبرنا أحمد بن محمد بن سعید، عن علی بن الحسن، عن علی بن مهزیار، عن حماد بن عیسی، عن الحسن بن المختار، عن عبدالرحمن بن سیابة، عن عمران بن میثم، عن عبادة بن ربیع الأسدی عن علی امیرالمؤمنین عليه السلام قال: ...»

درباره اعتبار احمد بن محمد بن سعید نک: معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۲۷۴؛

درباره اعتبار علی بن الحسن نک: همان، ج ۱۱، ص ۳۳۱؛

گفتنی است که در کتاب **کمال‌الدین** به جای **شعیب الحداد**، **شعیب الحداء** آمده است که با توجه به این که چنین عنوانی در کتاب‌های رجالی وجود ندارد و همین روایت در **الغیبة** شیخ طوسی و **الارشاد** شیخ مفید از **شعیب الحداد** نقل شده، بنابراین **شعیب الحداء** تصحیف **شعیب الحداد** است. هم‌چنین در کتاب **کمال‌الدین** راوی حدیث از امام صادق علیه السلام صالح مولی بنی‌الغزواء است. همین روایت را شیخ طوسی در **الغیبة** از **شعیب الحداد** از صالح روایت کرده و شیخ مفید نیز همین حدیث را از **شعیب الحداد** از صالح بن میثم نقل کرده است. بنابراین به گواهی نقل شیخ صدوق، صالح مولی بنی‌الغزواء همان صالح بن میثم است.

۲۲. نعمانی، **الغیبة**، باب ۱۴، ص ۳۶۴، روایت هفدهم.

۲۳. **بحار الأنوار**، ج ۵۲، ص ۳۰۷، روایت ۸۱، چاپ سوم: انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۳ قمری .

۳۴. **تفسیر العیاشی**، ج ۱، ص ۸۴، روایت ۱۱۷.

۳۵. نعمانی، **الغیبة**، باب ۱۴، ص ۳۶۹، روایت ۲۱.

۳۶. شیخ طوسی، **الغیبة**، ص ۳۶۴، روایت ۴۷۹.

۳۷. همان، روایت ۴۸۰.

۳۸. سید بن طاووس، **التشریف بالمعنی**، باب ۶۳، ص ۲۷۵، روایت ۳۹۹، چاپ اول: انتشارات مؤسسه صاحب‌الامر رضی الله عنه ۱۴۱۶ قمری.

۳۹. نعمانی، **الغیبة**، باب ۱۴، ص ۳۸۵، روایت ۵۵.

۴۰. همان، باب ۱۴، ص ۳۶۴، روایت هفدهم.

۴۱. شیخ طوسی، **الغیبة**، ص ۳۶۴، روایت ۴۷۱.

۴۲. **کمال‌الدین و تمام‌النعمة**، ج ۱، باب ۳۲، ص ۶۰۴، روایت شانزدهم.

۴۳. **معجم احادیث الامام المهدي** رضی الله عنه، ج ۳، ص ۴۹۳، روایت ۱۰۶۳ (به نقل از: **مختصر اثبات الرجعة**، ص ۲۱۶، روایت هجدهم)

۴۴. **بحار الأنوار**، ج ۵۲، ص ۳۰۷، روایت ۷۱.

۴۵. **معجم احادیث الامام المهدي** رضی الله عنه، ج ۵، ص ۲۲۴، روایت ۱۶۴۵ (به نقل از: **مختصر بصائر الدرجات**، ص ۱۹۹)

۴۶. **اختیار معرفة الرجال**، ص ۲۳.

۴۷. **تاریخ الغیبة الکبری**، ص ۵۱۱-۵۰۶.

۴۸. شیخ مفید، **الارشاد**، باب ۴۰، ص ۶۹۲، انتشارات الاسلامیه، ۱۳۸۰ شمسی.

۴۹. **معجم احادیث الامام المهدي** رضی الله عنه، ج ۵، ص ۲۲۴، روایت ۱۶۴۵ (این حدیث به نقل از: **مختصر البصائر الدرجات**، ص ۱۹۹، مرفوعه است.)

۵۰. ابوالفرج اصفهانی، **مقاتل الطالبین**، ص ۱۷۲، چاپ دوم: منشورات المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ شمسی.

۵۱. همان، ص ۱۷۱.

۵۲. همان، ص ۱۶۲.

۵۳. نعمانی، **الغیبة**، باب ۱۴، ص ۳۵۶، روایت نهم.

۵۴. همان، باب ۱۴، ص ۳۵۷، روایت یازدهم.

۵۵. **معجم رجال الحدیث**، ج ۱۲، ص ۶۷.

۵۶. همان، ج ۱۳، ص ۵۸.

درباره اعتبار علی بن مهزیار نک: همان، ج ۱۲، ص ۱۹۲؛
درباره اعتبار حماد بن عیسی نک: همان، ج ۶، ص ۲۲۵؛
درباره اعتبار حسین بن المختار نک: همان، ص ۸۷؛
درباره اعتبار عبدالرحمن بن سیاه نک: همان، ج ۹، ص ۳۳۲؛
درباره اعتبار عبایه بن ربیع نک: همان، ج ۱۲، ص ۱۵۱.

۱۹. **اختیار معرفة الرجال**، ص ۲۳.

۲۰. **کمال‌الدین**، ج ۱، باب ۳۲، ص ۶۰۴، روایت شانزدهم.

۲۱. نعمانی، **الغیبة**، باب ۱۴، ص ۳۸۵، روایت ۵۵.

۲۲. درباره اعتبار این حدیث نک: مقاله حاضر، ص ۶.

۲۳. **کمال‌الدین**، ج ۱، باب ۳۲، ص ۶۰۴، روایت شانزدهم.

۲۴. **معجم احادیث الامام المهدي** رضی الله عنه، ج ۳، ص ۴۹۳، روایت ۱۰۶۳ (به نقل از: **مختصر اثبات الرجعة**، روایت هجدهم)

۲۵. شیخ طوسی، **الغیبة**، ص ۳۶۴، روایت ۴۸۰، شماره ۶.

۲۶. محمدبن مسعود عیاشی، **تفسیر العیاشی**، ج ۱، ص ۸۴، روایت ۱۱۷، انتشارات المكتبة الاسلامیة، تهران.

۲۷. باب ۱۴، ص ۳۹۰، روایت ۶۷.

۲۸. **روضه الکافی**، ص ۱۸۳، روایت ۲۸۵. سند این روایت به این صورت است: «محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد، عن ابن محبوب، عن یعقوب السراج عن أبي عبدالله علیه السلام ...»

درباره اعتبار محمد بن یحیی نک: **معجم رجال الحدیث**، ج ۱۸، ص ۳۰؛

درباره اعتبار احمد بن محمد نک: همان، ج ۲، ص ۲۹۶؛
درباره اعتبار ابن محبوب نک: همان، ج ۵، ص ۵۸۹؛
درباره اعتبار یعقوب السراج نک: همان، ج ۲۰، ص ۱۵۵.

۲۹. **لطف‌الله صافی کلیبانسی، منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر** رضی الله عنه، ج ۳، ص ۹۲، روایت ۱۰۳۸، چاپ اول: انتشارات مکتب المؤلف، ۱۴۲۲ قمری. (به نقل از: **الفتن**، ج ۵، ص ۱۷۷)

۳۰. **بحار الأنوار**، ج ۵۲، ص ۳۰۷، روایت ۸۱ این حدیث مرفوعه است.

۳۱. **کمال‌الدین و تمام‌النعمة**، ج ۲، باب ۵۷، ص ۵۵۴، روایت دوم. سند این روایت به این صورت است: «محمد بن حسن بن أحمد بن ولید، عن محمد بن الحسن الصفار، عن العباس بن معروف، عن علی بن مهزیار، عن عبدالله بن محمد الحجال، عن ثعلبة بن میمون، عن شعیب الحداء عن صالح مولی بنی‌الغزواء عن الصادق علیه السلام ...»

برای اعتبار محمد بن حسن نک: **معجم رجال الحدیث**، ج ۱۵، ص ۲۰۶؛

برای اعتبار محمد بن الحسن الصفار نک: همان، ص ۲۴۸؛
برای اعتبار عباس بن معروف نک: همان، ج ۹، ص ۲۳۹؛
برای اعتبار علی بن مهزیار نک: همان، ج ۱۲، ص ۱۹۲؛
برای اعتبار عبدالله بن محمد الحجال نک: همان، ج ۱۰، ص ۳۲؛
برای اعتبار ثعلبة بن میمون نک: همان، ج ۳، ص ۴۰۹؛
برای اعتبار شعیب الحداد نک: همان، ج ۹، ص ۲۹؛
برای اعتبار صالح بن میثم نک: همان، ج ۹، ص ۸۴.